

جدول زمانبندی مراجعه برای آزمون عملی بازیگری

زمان مراجعه		
روز	تاریخ	حرف اول نام خانوادگی
یکشنبه	۹۷/۴/۲۴	از حرف «الف» تا حرف «تف»
دوشنبه	۹۷/۴/۲۵	از حرف «تق» تا حرف «ر»
سه‌شنبه	۹۷/۴/۲۶	از حرف «ز» تا حرف «غ»
چهارشنبه	۹۷/۴/۲۷	از حرف «ف» تا حرف «مح»
پنج‌شنبه	۹۷/۴/۲۸	از حرف «مخ» تا حرف «ی»

متن منولوگ آزمون عملی بازیگری به تفکیک نقش خانمها و آقایان

متن نمایشی مربوط به آزمون عملی کارشناسی ارشد رشته بازیگری

نقش آقایان	نقش خانمها
<p style="text-align: center;">نقش آقایان</p> <p>«مارک آنتونی» از صفحه ۷۹۰ - ۷۹۱ نمایشنامه «ژولیوس» در کتاب: مجموعه آثار نمایشی نوشته‌ی ویلیام شکسپیر - ترجمه علاءالدین بازارگاردی - انتشارات سروش - سال ۱۳۷۵</p>	<p style="text-align: center;">نقش خانمها</p> <p>«الکترا» از صفحه ۱۸۹ - ۱۹۰ نمایشنامه‌ی «الکترا» نوشته‌ی: سوفوکل - ترجمه محمد سعیدی - انتشارات علمی و فرهنگی سال ۱۳۷۵</p>
<p style="text-align: center;">آنتونی:</p> <p>«دوستان، رومیان، هم‌میهنان! به من گوش فرا دارید. من اینجا آمده‌ام قیصر را به خاک سپارم نه اینکه او را بستایم. بدی مردم پس از مرگ آنها جاوید می‌ماند، ولی نیکی آنها اغلب با استخوانهایشان مدفون می‌شود. بگذار در مورد قیصر هم چنین باشد. بروتوس شریف به شما گفت قیصر جاه‌طلب بود. اگر چنین بود عیب بزرگی محسوب می‌شده و قیصر حساب خود را به طرز فجیعی پس داده‌است. من با اجازه بروتوس که مرد شریفی است و سایرین هم که مردان شریفی هستند به اینجا آمده‌ام تا در مراسم تدفین قیصر سخن گویم. او دوست من و نسبت به من وفادار و منصف بود ولی بروتوس او را جاه‌طلب می‌خواند، و بروتوس هم مرد شریفی است. او اسرای بی‌شماری به روم آورد که جزیه‌ی آنها خزانه ملی را انباشت. آیا این کار را می‌توان جاه‌طلبی خواند؟ هر وقت بینوایان نالیده‌اند قیصر گریسته است. جاه‌طلبی از جنس سخت‌تری ساخته شده‌است ولی بروتوس می‌گوید او جاه‌طلب بود، و بروتوس لابد مرد شریفی است. همه شما در جشن لوپرکال به چشم خود دیدید که من سه بار تاج پادشاهی را به او تقدیم داشتم و او هم سه بار آن را رد کرد. آیا این جاه‌طلبی است؟ با وجود این بروتوس او را جاه‌طلب می‌داند. و بی‌شک او مرد شریفی است. من قصد ندارم آنچه بروتوس گفت تکذیب کنم ولی آمدن من در اینجا برای آن است که آنچه می‌دانم بگویم. تمام شما روزی او را دوست داشتید و بدون دلیل هم نبود پس چه دلیلی مانع شماست که برای او سوگواری کنید؟ ای انصاف! تو به سوی حیوانات درنده گریخته‌ای و مردمان عقل خود از کف داده‌اند، صبر کنید چون قلب من در آن تابوت با قیصر است و باید مکث کنم تا دوباره نزد من باز گردد.»</p>	<p style="text-align: center;">الکترا:</p> <p>«باید مردم بیابند و این نمونه کامل مهر مادری را بنگرند و ببینند مادر داغ‌دیده چسان بر مرگ فرزند مویه و سوگواری میکند! دیدی چگونه خیر مرگ پسر را شنید و سخنی چند از راه طعن و کنایه گفت و در پی کار خویش رفت!</p> <p>وای، ای اورستس محبوبم، تو اینک چشم از این جهان پوشیده‌ای و من نمی‌دانم پس از تو چگونه زیست کنم. مرا امید آن بود که تو روزی باز آئی و انتقام مرگ پدر را بگیری و خواهر خود را از این مهلکه نجات دهی. اینک تو مرده‌ای و آخرین پرتو امید در دل من خاموشی گرفته‌است و دیگر نمی‌دانم بکجا روی آورم. مرا اینک نه پدری است و نه برادری و در این جهان پهناور تنها و بی‌کس مانده‌ام. باید دوباره بدین خانه‌ی شوم که منزلگاه قاتلین پدرم است برگردم و در آنجا دوران اسارت خود را از سر گیرم. آیا این است معنی عدالت و انصاف در این جهان؟</p> <p>اما نه، محال است من دوباره پا بدین خانه گذارم و باز تن به اسارت در دهم. همین جا در پای آستانه این در آنقدر خواهم نشست تا از رنج گرسنگی جان دهم، زیرا مرا در این عالم یار و یآوری نیست که بدو رو کنم. اینک که چنین از من بیزارند بیابند و مرا هلاک کنند چه مردن از برای من نعمتی عظیم محسوب می‌شود. من از این زندگی سراسر رنج به ستوه آمده‌ام و آرزومند مردنم. (روی زمین می‌افتد).»</p>